

ارزیابی رابطه آموزش دانشگاهی و فعالیت حرفه‌ای در رشته‌های معماری و شهرسازی؛ نمونه تفصیلی: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر*

پیونیک سیمونی**^۱، مریم عباسی^۲

^۱استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران.

^۲دانشجوی دکتری طراحی شهری دانشگاه صنعتی دورتموند، دورتموند، آلمان.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱/۱۴)

چکیده

وجود فاصله میان آموزش دانشگاهی و فعالیت حرفه‌ای در رشته‌های معماری و شهرسازی در ایران مسأله‌ای جدی و رو به رشد است. مطالعه دقیق این فاصله، علل و وجوه مختلف آن و همچنین ارزیابی صحیحی از انتظارات و رویکردهای طرفین، لازمه اصلاح وضع موجود و دستیابی به فضای عمومی سالم در این رشته‌ها است. ابتدا عمق آسیب موجود، وجوه و دلایل مختلف آن و اهمیت تلاش برای اصلاح آن از مصاحبه با صاحب‌نظران حرفه و برخی مسئولین ارگان‌های دولتی و دانشگاهی روشن می‌شود. سپس ارزیابی دقیقی از وضعیت دانش‌آموختگان، با ارائه پرسش‌نامه‌ای در دفاتر حرفه‌ای انجام می‌شود، که نتایج آن به صورت قیاسی با پرسش موازی از دانشگاه، در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر و کل دانشکده‌های معماری شهرسازی، به تفکیک استادان و دانشجویان، و نگاهی به فضاهای آموزشی و حرفه‌ای در کشورهای دیگر، مورد بررسی تفسیری قرار می‌گیرد. در نتیجه این پرسش مشخص می‌شود که بیشترین مشارکت دانش‌آموختگان این رشته‌ها در فعالیت حرفه‌ای در تهیه مدارک است و از سطح تخصصی پایین‌تری نسبت به کشورهای دیگر برخوردار است، توانمندی دانش‌آموختگان از نظر دانشگاه نزدیک به متوسط و از نظر حرفه، به خصوص در زمینه دانش فنی و اجرایی و دانش علمی و حقوقی، بسیار ضعیف است و همچنین مهم‌ترین معیارهای دفاتر بر خلاف کشورهای دیگر بر موضوعات غیرتخصصی متمرکز است.

واژه‌های کلیدی

معماری، شهرسازی، دانشگاه، حرفه، ارزیابی آموزش.

*مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "تعیین محتوای مبتنی بر نیاز و برنامه برای آموزش‌های آزاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر" که نگارنده اول مجری و نگارنده دوم همکار طرح پژوهشی است.

**نویسنده مسئول: تلفکس: ۰۲۱-۶۶۷۳۳۴۱۰، E-mail: p.simoni@art.ac.ir

مقدمه

حوزه‌ها و تولید متخصص در دانشگاه‌ها در سطح کشور، که منطبق بنیادی شکل‌گیری دانشگاه است، اگر به تعریف اولیه دانشگاه از این رابطه نیز نگاهی داشته باشیم، شاهد طرح‌شدن موضوع ورود به فضای کار حرفه‌ای به‌عنوان هدف اصلی یا یکی از اهداف اصلی (بنا بر مقطع تحصیلی) در تمامی مقاطع و گرایش‌ها، مطابق برنامه‌های مصوب آموزشی، خواهیم بود.

بنابر وجود این فاصله و لزوم پرداختن به آن هم از سوی حرفه و هم دانشگاه، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، طرحی پژوهشی به منظور ساماندهی آموزش‌های آزاد دانشکده تنظیم کرده است، که مطالعه‌ای قابل توجه در حوزه این ارتباط را نیز شامل می‌شود. مقاله حاضر بخشی از طرح نامبرده است که برای ارائه بیرون از محدوده این دانشکده با جامعه آماری بزرگ‌تر تکمیل شده و گسترش یافته است.

مطالعات این بخش از طرح پژوهشی با ترکیبی از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است، اما به طور عمده بر مصاحبه و پرسش‌نامه متکی است. علاوه بر نگاه کلی به مستندات، علل و جوانب وجود این فاصله، این پژوهش به مطالعه‌ای کمی و کیفی در رابطه با میزان سودمندی آموزش‌های دانشگاهی و توانمندی دانش‌آموختگان هنگام ورود به حرفه، قیاس نظرات دانشگاهیان اعم از استادان و دانشجویان با نظرات حرفه‌مندان و مسئولین ارگان‌های دولتی و همچنین مطالعه‌ای تطبیقی با کیفیت این رابطه در دیگر کشورهای جهان می‌پردازد.

یکی از مسائل روز مطرح آموزش در دانشکده‌های معماری و شهرسازی موضوع ارتباط این آموزش‌ها با واقعیت حرفه، یا آنچه که بازار کار نامیده می‌شود، است. هر فرد حاضر در فضای این رشته‌ها، اعم از دانشجو، دانش‌آموخته، مدرس، حرفه‌مند یا مسئول به گونه‌ای با این موضوع مواجه بوده و به دنبال روشن کردن وجهی از وجوه این رابطه برای خود یا دیگران است.

آنچه که حتی با نگاهی سطحی به این فضا مشهود می‌گردد، وجود فاصله میان فضای دانشگاهی و فضای اجرایی حرفه است. این واقعیت را می‌توان در نارضایتی حرفه‌مندان و دفاتر کار حرفه‌ای از دانش‌آموختگان و متقاضیان کار، در نگرانی‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان برای ورود به حرفه و همچنین در نارضایتی محافل دانشگاهی از مسیری که حرفه طی می‌کند، لمس کرد.

از سوی دیگر می‌توان در چند موضع، شاهد وجود رابطه پیوسته‌ای میان حرفه و دانشگاه در کشورهای دیگر جهان و همچنین در گذشته، نه چندان دور، آموزش دانشگاهی در ایران بود. علاوه بر آشنایی همه ما با افراد نامی در حوزه‌های نظریه و عمل در سطح جهان، سازوکار این رابطه از جنبه‌های دیگر نیز قابل توجه و مطالعه است. همچنین می‌توان هم‌گامی آموزش دانشگاهی و فعالیت حرفه‌ای را از ابتدای تأسیس دانشکده هنرهای زیبا در ایران تا سال‌های متمادی، هم در گفتگو با کسانی که تجربه این فضا را دارند و هم در آثار به جا مانده از دوره‌های آموزشی مختلف، به راحتی پیگیری کرد.

علاوه بر رابطه بدیهی نیاز جامعه به حل مسائل طراحی در این

روش تحقیق

پژوهش از نوع کاربردی بوده، از نظر سامانه تفکری کیفی یا طبیعت‌گرا است (گروت و وانگ، ۱۳۹۴، ۳۲). از آنجا که پژوهش به دنبال یافتن نقطه نظرات گروه‌های مختلف در یک موضوع مشخص است، هنجاری محسوب می‌شود و بیش از آنکه روایی باشد محتوایی است (لنگ، ۱۳۹۰، ۸۳). از نظر روش، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را به کار می‌برد اما روش اصلی جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۵، ۸۲) است و از تکنیک‌های مصاحبه و پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. پژوهش در ارزیابی نقطه نظرات جمیع گروه‌های مخاطب کل‌نگر و در ارزیابی نقطه نظرات حرفه در باره دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها ژرفانگر است.

در تحلیل داده‌های کمی از تحلیل‌های توصیفی و استنباطی و در مورد داده‌های کیفی، از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. در بخش‌های مطالعه تطبیقی، استدلال قیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در نهایت با توجه به انتخاب سامانه کیفی، تمام اطلاعات به‌دست‌آمده، مورد تفسیر زمینه‌ای (اسلامی، ۱۳۹۲، ۴۶) قرار می‌گیرند.

اهداف و پرسش‌های تحقیق

هدف اصلی پژوهش روشن کردن جوانب فاصله میان حرفه و دانشگاه، از جمله علل و وجوه آن است و به زمینه‌های قوت و ضعف

آموزش دانشگاهی از نظر کارآمدی در حرفه توجه دارد.

پژوهش پرسش‌محور است و پرسش اصلی آن متوجه شناخت این فاصله و ارزیابی دقیق تفاوت رویکردها و زمینه‌های مورد تأکید میان آموزش دانشگاهی و کارکرد حرفه است. چند پرسش کمکی می‌تواند در این زمینه روشن‌گر مسیر و نتایج مطالعه باشد:

دلایل و جوانب فاصله میان آموزش دانشگاهی و فعالیت حرفه‌ای در رشته‌های معماری و شهرسازی کدامند؟

از نقطه نظر استادان و دانشجویان دانشگاه آیا فاصله یا کاستی در آموزش‌های دانشگاهی در رابطه با کارآمدی در حرفه وجود دارد؟ دانش‌آموختگان در کدام فعالیت‌های حرفه کارآمد هستند و مشارکت قابل توجهی دارند؟

از نقطه نظر دانشگاهیان و حرفه‌مندان کدام زمینه‌ها در آموزش دانشگاهی نقاط قوت و ضعف محسوب می‌شود؟

جوامع آماری و نمونه‌گیری

جوامع نمونه در پژوهش متعدد بوده و روش نمونه‌گیری با توجه به عمق پژوهش در هر بخش، امکانات پژوهش و میزان تعمیم‌پذیری لازم، متنوع است. بدین ترتیب نمونه‌گیری در محدوده دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر به روش‌های احتمالی (به منظور تعمیم به کل جامعه آماری) و نمونه‌گیری کل دانشکده‌های معماری و شهرسازی، حرفه و مسئولین به روش‌های غیراحتمالی (مفیدی، ۱۳۹۶، ۴۶) انجام شده است. باید توجه داشت که پژوهش از نوع

پیشینه تحقیق

حوزه وسیع پژوهش حاضر شامل مطالعات آموزش معماری و شهرسازی از یک سو و مطالعات حرفه معماری و شهرسازی از سوی دیگر است، اما با توجه به محدوده تعریف شده، مطالعه پیشینه نیز محدود به پژوهش‌های منحصر به رابطه دانشگاه و حرفه در این رشته‌ها خواهد بود.

پژوهش‌های این حوزه در سال‌های اخیر و پس از برگزاری همایش آموزش معماری با مدیریت دانشگاه تهران، تعدد یافته و به صورت مقاله‌های علمی منتشر شده است. در این میان می‌توان مطالعاتی را دید که بر موارد خاص مانند اثر درس‌ها یا مقاطع تحصیلی خاص در ورود به حرفه تمرکز یافته‌اند. پژوهش‌های بررسی نقش درس طرح معماری ۴ دانشگاه یزد در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان (شریعت‌راد و مهدوی‌پور، ۱۳۸۷)، بررسی نقش دروس فنی (رستمی نجف‌آبادی و جهانبخش، ۱۳۹۲)، بررسی نقش دانش طراحی معماری (کاملی، عظمتی و رمضی، ۱۳۹۵)، بررسی نقش درس مصالح ساختمانی (مستغنی و بی‌بی، ۱۳۹۳)، بررسی آشنایی با مراتب اجرایی ساختمان (فرضیان و کرباسی، ۱۳۹۳) از نوع تمرکز بر واحدهای درسی یا مجموعه‌ای درس‌های رشته‌های خاص و نمونه‌های بررسی مقطع کاردانی معماری (ناری قمی و بحرینی، ۱۳۹۷ و ناری قمی، ۱۳۹۰) از نوع متمرکز بر مقاطع تحصیلی خاص هستند. پژوهش‌های نسبتاً جامعی نیز از نظر توجه به کل آموزش در یک رشته تحصیلی انجام شده‌اند، مانند بررسی وضعیت فارغ‌التحصیلان معماری (لیتکوهی و قربانی، ۱۳۸۷) که متمرکز بر پرسش از حرفه در رابطه با قابلیت‌های دانش‌آموختگان است.

پژوهش حاضر از نظر توجه به زمینه‌های آموزشی، رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی، مقاطع تحصیلی و همچنین از نظر جوامع آماری مورد پرسش شامل مسئولین، دانشگاهیان و حرفه‌مندان، از یک سو و پرسش از دانشکده‌های معماری و شهرسازی بسیاری از دانشگاه‌های کشور، از سوی دیگر، از جامعیت بی‌سابقه‌ای نسبت به نمونه‌های بررسی شده برخوردار است. دیگر تفاوت قابل توجه این پژوهش با پژوهش‌های پیشین طرح پرسش با زمینه‌های آموزشی مورد نظر دانشگاه به صورت موازی در دانشگاه و حرفه و طرح پرسش از زمینه‌ها یا مهارت‌های مورد توجه حرفه است، که می‌تواند زمینه مناسبی برای بهره‌مندی از دو نگاه مستقل را همراه با امکان قیاس معتبری فراهم آورد، به گونه‌ای که نگاه طرفین نه تنها در پاسخ‌ها، که در طرح پرسش‌ها نیز انعکاس یافته است.

بسط پرسش

به منظور بسط و تعمیق پرسش اصلی پژوهش، ابتدا مجموعه مصاحبه‌هایی با صاحب‌نظران نامی حرفه و دست‌اندرکاران ارگان‌های اجرایی مرتبط با رشته‌های معماری و شهرسازی انجام شد. برخی از پرسش‌شوندگان، اعضای هیأت علمی دانشگاه نیز هستند. در این بخش هشت نفر مورد پرسش قرار گرفته‌اند که به روش عمدی (مفیدی، ۱۳۹۶، ۶۵) و با توجه به قضاوت اولیه در باره آشنایی و تسلط به مسائل حرفه‌ای، مدیریتی و آموزشی یا مجموعه آنها انتخاب شده‌اند. پنج نفر از این هشت نفر مدیران دفاتر طراحی

"پس از وقوع" (در تلاش برای ارزیابی وضع موجود) بوده (مفیدی، ۱۳۹۶، ۵۰) بوده و بر خلاف مطالعاتی که به منظور پیش‌بینی وضع آینده انجام می‌پذیرند، وابسته به حجم نمونه کم‌تری است.

مصاحبه با صاحب‌نظران نامی حرفه و مسئولین عرصه‌های مدیریتی مرتبط با معماری و شهرسازی، از نوع عمدی و انتخاب جامعه نمونه دفاتر طراحی، برای تکمیل پرسش‌نامه، از نوع سهمیه‌ای (به منظور پوشش حداکثری انواع دفاتر طراحی و مهندسی مشاور موجود در فضای حرفه‌ای کشور) صورت گرفته است. انتخاب جامعه نمونه حرفه در خارج از کشور نیز به روش غیراحتمالی و سهمیه‌ای (برای پوشش کشورهای، رشته‌ها، گرایش‌ها و همچنین مقاطع تحصیلی مختلف) انجام شده است. انتخاب جامعه آماری در حرفه و دانشگاه برای کشورهای دیگر با توجه به عدم تمرکز مطالعه بر این کشورها و یا قیاس وضعیت آموزش و اشتغال در ایران و کشورهای دیگر انجام شده است و صرفاً به منظور به دست آوردن اطلاعات زمینه‌ای و امکان قیاس اولیه استفاده می‌شود. برای دستیابی به اطلاعات تطبیقی میان وضعیت حرفه در رشته‌های معماری و شهرسازی در ایران و کشورهای دیگر، یا شناخت تطبیقی رابطه حرفه و دانشگاه، نیاز به انتخاب روش‌ها، منابع و جوامع آماری متفاوت و تنظیم پژوهش‌هایی متمرکز بر این موضوعات خواهد بود.

در محدوده دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، در مورد اعضای هیأت علمی، روش سرشماری و در مورد دانشجویان روش تصادفی ساده با ضریب خطای ۰/۰۶ (در فرمول کوکران)، به کار رفته است. در مورد دیگر دانشکده‌های معماری و شهرسازی، نمونه‌گیری به روش غیراحتمالی و سهمیه‌ای (با تأمین پراکندگی مناسب در معماری و شهرسازی، دانشگاه‌های مختلف، مقاطع تحصیلی، مدرسان هیأت علمی و مدعو) انجام شده است. در مورد جامعه آماری دانشگاه‌های کشورهای دیگر، با توجه سطح اهمیت این بررسی در طرح، به انتخاب عمدی دانشگاه‌های برتر در رشته‌های مورد مطالعه اکتفا شده است.

لازم به تأکید است که این پژوهش از طرف دانشگاه تعریف شده و در پی شناخت و ارزیابی دقیق‌تر آموزش‌های مستمر، در رشته‌ها و مقاطع مختلف دانشکده معماری و شهرسازی از نقطه نظر گروه‌های مختلف، از جمله حرفه‌مندان است. بنابراین پژوهش محدود به پرسش دانشگاه از حرفه بوده و پرسش متقابلی را از دانشگاه درباره حرفه، تنظیم نکرده است. دیگر محدوده پژوهش مرتبط با نوع آن است. از آنجا که پژوهش کاربردی و از نوع هنجاری بوده به دنبال پاسخ به پرسش‌های بنیادی در رابطه با آموزش یا حرفه و رابطه این دو نبوده و به مطالعه نظری در این مقوله‌ها نمی‌پردازد. استفاده از تکنیک پرسش‌نامه با توجه به محدودیت‌های ذاتی این تکنیک (سرمد، بازگان و حجازی، ۱۳۹۵، ۱۴۱)، همراه با تمام ملاحظات تنظیم پرسش‌ها، ارائه آمارها و آزمون‌های مرتبط و در حد امکان، با همراهی روش مصاحبه اجرا شده است تا این محدودیت به کمینه برسد. با توجه به گستردگی طرح پژوهشی هم در منابع و هم در تکنیک‌ها، مسیرهای دقیق دستیابی به اطلاعات در هر بخش مورد تشریح قرار خواهد گرفت.

مورد نگاه دانشگاه به آموزش و ارتباط آن با نیاز حرفه، مطالبات و انتظارات حرفه در کشور ایران و کشورهای دیگر و رابطه متقابل حرفه و دانشگاه در کشورهای دیگر، به خصوص در رابطه با دانشگاه‌های تراز اول جهان، انجام دهیم.

ارزیابی آموزش از نگاه دانشگاه

نتایج دو پرسش انجام شده از استادان و دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر بیانگر ارزیابی وضعیت خود نسبت به حرفه، در محدوده این دانشکده و ارزیابی استادان و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور، نشان‌دهنده ارزیابی کلی دانشگاه است. پرسش‌نامه دانشگاه، ابتدا در سه مرحله، شامل پیشنهاد مجری، اصلاح مشاور طرح و ارائه پرسش‌نامه‌های پایلوت برای اعضای هیأت علمی تنظیم شده و سپس با تغییرات لازم و با طی کردن همان مراحل به استادان مدعو ارائه شده است. پرسش‌نامه دانشجویان و دانش‌آموختگان مشابه و از نظر زمینه‌های پرسش تابع پرسش‌نامه اعضای هیأت علمی بوده و پس از گذراندن مرحله پایلوت، در اختیار تمام افراد جامعه آماری قرار گرفته است. به جز نمونه‌گیری جوامع مخاطب اصلی که توضیح داده شد، نمونه‌گیری اعضای هیأت علمی مدعو (گروه وابسته اول) به روش انتخاب تعدمی، با نظر گروه‌های آموزشی و بر مبنای زمینه‌های همکاری با دانشکده انجام شده است و نمونه‌گیری دانش‌آموختگان (گروه وابسته دوم) بر مبنای انتخاب طبقه‌ای، به منظور پوشش حداکثری گروه‌ها و مقاطع آموزشی و

معتبر و یا مهندسین مشاور، سه نفر دارای سابقه فعالیت مدیریتی در رده‌های بالای ارگان‌های اجرایی مرتبط با حرفه و شش نفر به صورت هم‌زمان در دانشگاه‌ها مشغول به فعالیت هستند. چهار نفر از این شش نفر عضو هیأت علمی (سه نفر با مرتبه استادی و یک نفر با مرتبه دانشیاری) و دو نفر مدرس مدعو هستند. نتایج مصاحبه‌ها در سه بخش مرتبط با پژوهش حاضر شامل؛ اظهار نظر در باره وجود یا عدم وجود فاصله، علل به وجود آمدن آن و حوزه‌های اصلی قابل توجه در آموزش دانشگاهی و به روش تحلیل محتوا تنظیم شده، که به صورت تجمیعی در جدول ۱ ارائه شده است.

همه پرسش‌شوندگان وجود فاصله عمیق را به همراه لزوم توجه به آن تأیید کرده‌اند و چنان‌که مشخص است، دلایل متعددی را نام برده‌اند که برخی از آنها مانند تعداد مازاد نیاز دانشجویان این رشته‌ها، جدایی مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و تضعیف موقعیت اصلی حرفه در صنعت ساختمان، بسیار بنیادی بوده، خارج از محدوده اختیارات دانشکده‌ها و نیازمند راه‌حل‌هایی ورای تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی هستند و برخی دیگر اشاره به مسائل و غفلت‌هایی دارند، که با دقت و مطالعه عمیق، قابل اصلاح در چارچوب فعلی آموزش‌ها هستند.

ارزیابی گسترده

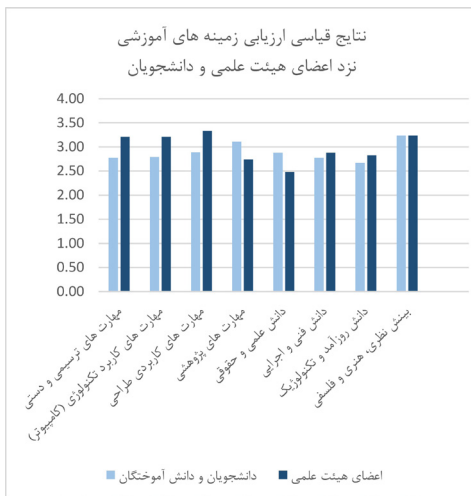
پیش از پرداختن به ارزیابی آموزش دانشگاهی از نظر حرفه‌مندان، لازم است زمینه گسترده‌تری را مورد توجه قرار دهیم و مطالعاتی در

جدول ۱- نتایج مصاحبه با صاحب‌نظران در رابطه با وجود فاصله میان دانشگاه و حرفه.

شواهد وجود فاصله میان دانشگاه و حرفه	دلایل به وجود آمدن فاصله میان دانشگاه و حرفه	عمده ضعف موجود در آموزش از نگاه حرفه
عدم توانایی دانش‌آموختگان توانایی در انجام فعالیت‌های مورد نیاز در دفاتر	تعداد زیاد دانشجویان و نوع ورود به دانشگاه	نبود شناخت صحیح از تمام مراحل کار اجرایی
همپوشانی وظایف حرفه و دانشگاه به نحوی که دانش‌آموختگان وارد دفاتر می‌شوند و بعد کار را یاد می‌گیرند	هزینه‌های زیاد کارآموزی و نبود انگیزه از طرف دانشگاه و دفاتر برای همکاری در این زمینه	ضعف در ترسیم
دانشجویان بعد از دانش‌آموختگی گویا بار اول با معماری مواجه می‌شوند	وارداتی بودن مفهوم دانشگاه در ایران و شکل‌گیری دستوری به جای احساس نیاز	نبود امکان شاغل شدن تعداد بالای دانش‌آموختگان در بازار کار
تضعیف موقعیت و کاهش برد تأثیرگذاری معماران در جامعه	پیشرو نبودن صنعت یا بازار در ایران و همچنین نداشتن رابطه پرسش‌گری نسبت به دانشگاه	عدم اطلاع از قوانین و مقررات ساخت و ساز
تنزل توان دانش‌آموختگان نسبت به کارآموزان در حال تحصیل در دهه شصت	نگاه نادرست به رشته و عدم درک ماهیت مهارت محور بودن آن (مهارت ساخت ساختمان)، مهارت دانش محور	عدم تسلط به مسائل اجرایی و جزئیات
	هدف دانشگاه‌ها باید تولید کارشناسان امر باشد و نه ستارگان موفق.	عدم شناخت شرح خدمات طرح‌های شهری
	شرح درس‌ها متعلق به دو دهه قبل است و بازنگری‌ها اگرچه قدمی بزرگی بوده باید کنترل کیفی شود.	ضعف در طراحی دستی
	شرح درس سراسری اجرا نمی‌شود بنابراین هماهنگی و امکان کنترل کیفی سراسری وجود ندارد.	دانشگاه در هر سه حوزه مبانی نظری، متدولوژی و تکنیک ایرادهایی دارد اما بیش از همه در تکنیک که به دوری از حرفه می‌انجامد.
	جدا شدن مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد	تمرکز زیاد دانشگاه‌ها به موضوع طراحی (عمدتاً در کارشناسی) باعث غفلت از جنبه‌های اجرایی تر ساختمان سازی می‌شود که محصول اصلی دانشگاه باید باشد.
	عدم آگاهی مدرسان از ماهیت رشته معماری	آموزش سلیقه‌ای و عدم آموزش روش برای طراحی
	تفرق واحدها و عدم ایجاد رابطه میان آنها در ذهن دانشجو	عدم ایجاد ظرفیت نزد دانشجویان برای دریافت هر آنچه به صورت متفرق ارائه می‌شود
	ایجاد گرایش‌های مختلف بدون ظرفیت بازار و پرداخت کافی در تربیت متخصص	نداشتن دغدغه کاربردی بودن آموزش‌ها برای دانشجویان
	ورود دانش‌آموختگان دوره دکتری به طور مستقیم به دانشکده و عدم آشنایی به حرفه	
	تضعیف موقعیت دفاتر مهندسین مشاور و کاهش امکان کارآموزی	
	تغییر روش آزمون ورود به دانشکده‌های معماری و حذف آزمون ترسیمی	

استادان، برخوردار است.

تعیین زمینه‌های آموزشی برای ارزیابی و اهداف کاربردی برنامه‌های آموزشی که موضوع دو پرسش مطرح شده است، با در نظر داشتن برنامه‌های آموزشی مصوب کلیه گروه‌ها و مقاطع^۲ و مطابق تقسیم‌بندی ضمنی زمینه‌های آموزشی به مراتب مهارت، دانش و بینش (حجت، ۱۳۹۱، ۲۹) انجام شده است. دو پرسش، در پرسش‌نامه‌های دانشگاه هنر، دارای بخش باز بوده و پیشنهادهای معدود آمده در این بخش نشان‌دهنده موافقت حداکثری پرسش‌شوندگان با زمینه‌های ارائه‌شده در پرسش است.

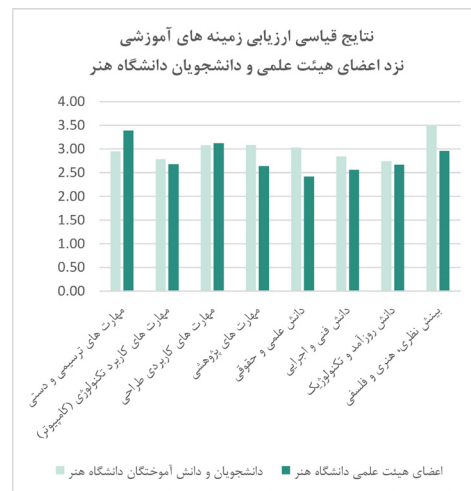


تصویر ۲- نمودار نتایج قیاسی ارزیابی آموزش نزد استادان و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور.

در دو نمودار تصویر ۳ و ۴ برای دانشگاه هنر و دانشگاه‌های سراسر کشور، به تفکیک آرای استادان و دانشجویان، آمده است. طبق نتایج این ارزیابی، دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، با میانگین ارزیابی ۳/۰۰ (دقیقاً مطابق برمیانه مفروض) ارزیابی متوسط و استادان با میانگین ارزیابی ۲/۸۱ ارزیابی نزدیک به متوسط از وضعیت آموزش داشته‌اند. ضمناً اختلاف این دو گروه مخاطب نشان‌دهنده انتظار بالاتر مدرسان نسبت به دانشجویان است. بالاترین ارزیابی دانشجویان در زمینه بینش نظری، هنری و فلسفی و استادان، در زمینه مهارت‌های ترسیمی و دستی بوده و تنها زمینه‌ای که هر دو گروه بالاتر از میانه مفروض ارزیابی کرده‌اند مهارت‌های کاربردی طراحی است. پایین‌ترین ارزیابی استادان در زمینه دانش علمی و حقوقی بوده و دانشجویان و استادان در وجود ضعف کلی در زمینه‌های مهارت‌های کاربرد تکنولوژی (کامپیوتر)، دانش فنی و اجرایی، و دانش روزآمد و تکنولوژیک، اتفاق نظر دارند. فقط در زمینه مهارت‌های ترسیمی و دستی ارزیابی استادان به طور قابل توجهی بالاتر از ارزیابی دانشجویان است. نتایج همین پرسش در دانشکده‌های سراسر کشور با میانگین ارزیابی ۲/۹۹ نزد استادان و ۲/۸۹ نزد دانشجویان بیانگر ارزیابی کلی نزدیک به متوسط با رضایت نسبی استادان است. بالاترین ارزیابی دانشجویان در زمینه‌های مهارت‌های پژوهشی و بینش نظری، هنری و فلسفی و پایین‌ترین آن در زمینه‌های

سال‌های دانش‌آموختگی صورت گرفته است.

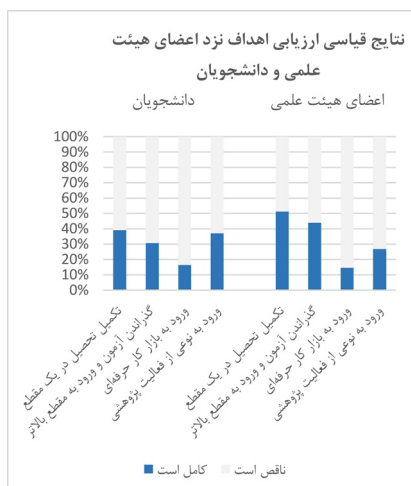
سپس در مرحله گستراندن محدوده پژوهش به دانشکده‌های معماری و شهرسازی کل کشور، دو پرسش کمی از پرسش‌نامه تنظیم شده، در قالب دو پرسش‌نامه، برای استادان و دانشجویان، تنظیم و به صورت مجازی در اختیار گروه‌های هدف قرار گرفت.^۱ این جامعه به صورت سهمیه‌ای انتخاب شده و از پراکندگی مناسبی در زمینه رشته‌های معماری و شهرسازی، دانشگاه‌های مختلف سراسر کشور و انواع دانشگاه‌های سراسری، آزاد و غیرانتفاعی، دانشگاه‌های تهران و شهرهای دیگر و همچنین مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برای دانشجویان و نوع همکاری هیأت علمی یا مدعو برای



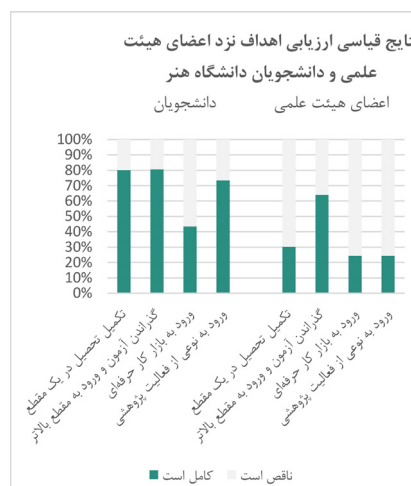
تصویر ۱- نمودار نتایج قیاسی ارزیابی آموزش نزد استادان و دانشجویان دانشگاه هنر.

"پرسش اول عبارت است از ارزیابی آموزش دانشکده‌ها در زمینه مهارت‌های ترسیمی و دستی، مهارت‌های کاربردی طراحی، دانش علمی و حقوقی، دانش فنی و اجرایی، دانش روزآمد و تکنولوژیک و بینش نظری، هنری و فلسفی، که به تفکیک رشته، گرایش‌ها و مقاطع تحصیلی دانشکده انجام شده است. نتایج تجمیعی این پرسش در دانشگاه هنر، با تعداد ۶۶ پرسش‌نامه استاد و ۱۹۶ پرسش‌نامه دانشجو و دانش‌آموخته در تصویر ۱ آمده است. نتایج پرسش از کل دانشکده‌ها شامل ۱۸۹ پرسش‌نامه دانشجو و دانش‌آموخته و ۴۱ پرسش‌نامه استاد از ۵۲ دانشگاه، از انواع دانشگاه‌های سراسری، آزاد و غیرانتفاعی در تهران و شهرهای دیگر است که ۱۲۴ پرسش‌نامه در رشته معماری و ۱۰۶ پرسش‌نامه در رشته شهرسازی تکمیل شده است. در پرسش‌نامه‌های دانشجویان، ۸۴ نفر در مقطع کارشناسی، ۸۳ نفر کارشناسی ارشد و ۲۲ نفر در مقطع دکتری و در پرسش‌نامه استادان، ۲۹ عضو هیأت علمی و ۱۲ همکار مدعو دانشکده‌ها مشارکت داشته‌اند. نتایج نهایی این پرسش، به تفکیک آرای استاد و دانشجو، در نمودار ۲ ارائه شده است.

پرسش دوم عبارت است از پرسش از میزان کارآمدی آموزش‌های دانشگاهی برای دستیابی به اهداف چهارگانه؛ تکمیل تحصیل در یک مقطع، گذراندن آزمون و ورود به مقطع بالاتر، ورود به فضای کار حرفه‌ای و ورود به نوعی فعالیت پژوهشی. نتایج این پرسش نیز



تصویر ۴- نمودار نتایج قیاسی ارزیابی دستیابی به اهداف نزد استادان و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور.



تصویر ۲- نمودار نتایج قیاسی ارزیابی دستیابی به اهداف نزد استادان و دانشجویان دانشگاه هنر.

استادان دانشگاه هنر (انتخاب اختیاری به خواست پرسش‌شونده‌ها)، چه صاحب‌نظران دیگر (انتخاب به روش تصدیق)، نشان داد که برخی نگاه‌ها کاملاً معطوف به خواسته‌های حرفه بوده و معتقد به کاستن محتوای آموزش دانشگاهی به خواسته‌های عینی بازارکار هستند و برخی دیگر رسالت آماده‌سازی ورود به حرفه را برای آموزش دانشگاهی، به طور کلی نابه‌جا می‌دانند. نگاه‌های متعادل‌تری نیز وجود دارند که معتقد به ایجاد امکان هم‌کاری و هم‌سویی با حرفه، اما فقط بعد از اصلاح وضع کنونی حرفه، یا به عبارتی ایجاد نفوذپذیری برای جذب نگاه علمی، به مرکزیت دانشگاه، هستند و نگاه‌های دیگری نیز با وجود باور به نیاز هم‌گامی این دو، از وجود موانع ساختاری و مناسباتی تا حد غیرممکن ساختن این ارتباط سخن می‌گویند.

رابطه متقابل دانشگاه و حرفه در کشورهای دیگر

مطالعه رابطه دانشگاه و حرفه در جهان، هسته پژوهش حاضر نبوده و به‌عنوان زمینه‌ای از اطلاعات به منظور یافتن محورهای قیاس و مطالعات آینده مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین روش انتخاب جامعه نمونه در این بخش به روش تصدیق و با انتخاب برترین دانشگاه‌های سال جاری در رشته‌های معماری و شهرسازی، بر مبنای رده‌بندی‌های معتبر جهانی^۳ بوده است. منابع اصلی دریافت داده‌ها سایت‌های رسمی این دانشگاه‌ها بوده و جستجو در محدوده معرفی رسمی سیاست‌ها و خط‌مشی کلان دانشگاه‌ها، گروه‌ها، مقاطع و برنامه‌های رسمی آموزشی دانشکده‌ها، برنامه آموزش‌های آزاد و مجازی و همچنین برنامه‌های اعلام‌شده به صورت همکاری با ارگان‌های دیگر یا برای عموم، انجام شده است. داده‌های به دست آمده با توجه به پراکندگی و تنوع، به روش تحلیل محتوای، به اطلاعاتی در زمینه‌های شکل و محتوای فعالیت‌ها، قالب زمانی و برگزاری آنها، مخاطبان، کمیت و شرایط مالی ارائه فعالیت‌ها و ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر دانشگاه تبدیل شدند. در این بررسی هفت دانشگاه؛ MIT در ایالات متحده، UCL در بریتانیا، دانشگاه تکنولوژی دلف، دانشگاه ETH در زوریخ، دانشگاه برکلی در کالیفرنیا، دانشگاه هاروارد و دانشگاه معماری منچستر از نظر آموزش‌های آزاد

مهارت‌های ترسیمی و دستی، مهارت‌های کاربرد تکنولوژی، دانش فنی و اجرایی و دانش روزآمد و تکنولوژیک است. این ارزیابی به وضوح نشان‌دهنده احساس عدم نیاز یا عدم درک اهمیت زمینه‌های نظری و پژوهشی از طرف دانشجویان و احساس ضعف در زمینه مهارت‌های کاربردی مورد نیاز آزمون‌های مقاطع بالاتر و حرفه است. بالاترین ارزیابی استادان در زمینه‌های مهارت‌های ترسیمی و دستی، مهارت‌های کاربرد تکنولوژی و مهارت‌های کاربردی طراحی است و با دانشجویان در ارزیابی بالای زمینه‌بینش نظری، هنری و فلسفی اتفاق نظر دارند. پایین‌ترین ارزیابی این گروه نیز در زمینه دانش علمی و حقوقی است. فاصله ارزیابی استادان و دانشجویان در زمینه مهارت‌های ترسیمی و دستی، مهارت‌های کاربرد تکنولوژی و مهارت‌های کاربردی طراحی به نفع انتظار بیشتر استادان، قابل توجه است. در مورد ارزیابی اهداف نیز بیش از ۷۰ درصد استادان در دانشگاه هنر در سه مورد از چهار مورد اعلام وجود کاستی کرده‌اند و بیش از ۵۰ درصد دانشجویان در یک مورد. موردی که دو گروه به اتفاق نظر در آن اعلام کاستی کرده‌اند، ورود به بازار کار حرفه‌ای است. رضایت خاطر بیش از ۷۰ درصدی دانشجویان این دانشکده از آموزش‌ها برای دستیابی به سه هدف از چهار هدف تعریف شده، قابل توجه است. نتایج این پرسش نزد پاسخ‌دهندگان دانشگاه‌های سراسر کشور نیز در تمام موارد بیش از ۵۰ درصد اعلام کاستی را نشان می‌دهد و دستیابی به هدف ورود به بازار کار حرفه‌ای را با رای ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان در پایین‌ترین وضعیت به نمایش می‌گذارد. ارزیابی ناقص آموزش‌ها برای دو هدف ورود به مقطع بالاتر و حرفه، نزد دانشجویان کاملاً هم‌سو با احساس ضعف آنها در زمینه‌های ارزیابی‌شده در پرسش اول است.

بنابر نتایج این بخش، همانند بخش قبل، وجود فاصله میان آموزش‌های موجود و نیاز کاربردی در حرفه از نظر جمیع پاسخ‌دهندگان قطعی است، اما تصویر روشنی نزد دانشگاهیان از ارزیابی عملکرد خود در این رابطه به چشم نمی‌خورد و رویکردهای بسیار متفاوتی به این مسأله نزد گروه‌های پاسخ‌دهنده وجود دارد. مصاحبه‌های انجام‌شده در تفسیر این نتایج، چه در محدوده

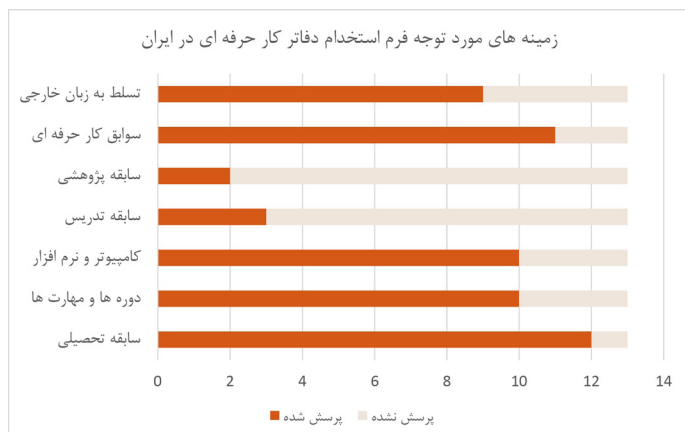
مطالبات حرفه در ایران و کشورهای دیگر

پیش از ورود به بخش پرسش مستقیم از حرفه در ایران و به منظور کسب اطلاعات زمینه‌ای و تکمیلی می‌توان به مطالعه‌های غیرمستقیم در رابطه با انتظارات و خواسته‌های حرفه از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها پرداخت. مطالعه فرم‌های استخدام دفاتر طراحی معماری و شهرسازی در ایران می‌تواند شکلی از چنین مطالعه‌ای باشد. همچنین برای ایجاد امکان قیاس با خواسته‌ها و انتظارات حرفه از دانش‌آموختگان در کشورهای دیگر، می‌توان آگهی‌های فرصت‌های شغلی در رشته‌های مرتبط را، که از راه‌های مجازی قابل دسترسی هستند، مورد مطالعه قرار داد. از آنجا که نتایج این بخش به عنوان زمینه‌ای برای ارزیابی عمیق بوده و نیازمند تعمیم نیست، نمونه‌گیری به منظور ایجاد ذهنیت کلی و به روش غیراحتمالی انجام شده است. در هر دو گروه نمونه‌گیری به روش سهمیه‌ای بوده و در بررسی دفاتر ایران، پوشش انواع دفاتر مهندسی مشاور و طراحی معماری و شهرسازی، دفاتر بزرگ و کوچک، جوان و با تجربه، پوشش رشته‌ها و گرایش‌های متنوع و مقاطع تحصیلی مختلف و در فرصت‌های شغلی کشورهای دیگر، پراکندگی در کشورها و قاره‌ها، سهم رشته‌ها و گرایش‌های مختلف و مقاطع تحصیلی، مورد نظر بوده است.

در زمینه فرم‌های استخدام ۱۳ مورد که ۸ مورد از آنها دفاتر مهندسی مشاور در زمینه معماری و شهرسازی هستند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ۳ مورد از دفاتر طراحی، متعلق به گروه‌های طراحی جوان تر و ۵ مورد مهندسی مشاور بزرگ با پرسنل بالای ۱۰۰ نفر هستند. نتایج این بررسی، که بیانگر زمینه‌های مورد توجه در فرم‌های استخدام است، در تصویر ۵ به نمایش در آمده است.

در مورد شرایط لازم برای ورود به مشاغل مشابه در کشورهای دیگر جهان، بررسی در ۱۵ مورد که در سه قاره آسیا، اروپا و آمریکا پراکنده هستند، انجام شده است. این نمونه‌ها شامل فرصت‌های شغلی معماری، معماری داخلی و شهرسازی در مقاطع و گرایش‌های مختلف هستند و اطلاعات از سایت‌های پربازدید و نامی^۴ آگهی‌های شغلی استخراج شده‌اند. نتایج این بررسی به روش تحلیل محتوا، در دو عنوان مطالبات ذکر شده از توانمندی متقاضیان و شرح نوع مشارکت مورد انتظار در شغل مربوطه، تنظیم شده و بر مبنای دفعات تکرار اولویت‌بندی شده‌است. نتایج به دست آمده در پنج ردیف اول در جدول ۲ آمده است.

ارزیابی متمرکز



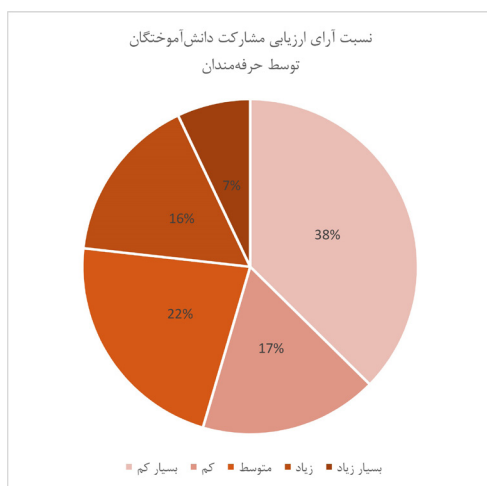
تصویر ۵- نمودار زمینه‌های مورد توجه در فرم‌های استخدام دفاتر حرفه‌ای در ایران.

جدول ۲- مطالبات اولیه و زمینه‌های انتظار مشارکت در فرصت‌های شغلی کشورهای دیگر به ترتیب اولویت (تکرار).

ترتیب	مطالبات ذکر شده در فرصت‌های شغلی کشورهای دیگر	مشارکت مورد انتظار در فرصت‌های شغلی کشورهای دیگر
۱	توان استفاده از نرم افزارهای مربوطه	آماده سازی مدارک و ترسیمات دو و سه بعدی طرح‌ها
۲	مهارت‌های بیانی کتبی و شفاهی	پرداخت و پیشبرد طرح‌های اولیه (کانسپت) تا مرحله طراحی نهایی
۳	مهارت‌های کار گروهی و توانایی کار مستقل	کار مفید با نرم افزارهای ترسیم و ارائه طرح‌ها
۴	آشنایی به روز با قوانین مقررات و سیاست‌های بالادستی کشور	آماده سازی و تنظیم گزارشات، محاسبات، تحلیل اطلاعات و غیره
۵	شناخت و مهارت کافی معطوف به جزئیات و مسائل اجرایی	آماده سازی پیشنهادها و طراحی و مطالعه

فعالیت دفاتر که شامل ۱۳ مورد است، مطابق فرآیند بالا تعیین شده تا بیانگر نگاه حرفه باشد و ارزیابی مشارکت دانش‌آموختگان مقاطع مختلف دانشگاه‌ها در آنها در مقیاس پنج‌درجه‌ای (لیکرت) انجام شده است. پنج پیشنهاد در بخش باز پرسش، هر مورد با یک مرتبه تکرار ارائه شده است، که یک مورد از آنها در معیارها قابل بررسی است، دو مورد، عنوان دیگری برای دو زمینه طرح شده در پرسش است و دو مورد دیگر زیرمجموعه دو زمینه طرح شده قرار می‌گیرد. نتایج این پرسش که در تصاویر ۶ و ۷ نمایش داده شده است نشان می‌دهد که ارزیابی عمومی حرفه‌مندان از مشارکت دانش‌آموختگان در فعالیتهای جاری دفاتر، پایین‌تر از حد متوسط (میانگین مفروض ۳) بوده و بیشترین پاسخ‌ها در مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع بسیار کم بوده‌اند. علاوه بر این طبق این نتایج، دانش‌آموختگان، بیشترین مشارکت را در زمینه ترسیم نقشه‌ها و مدل‌سازی دارند و در تمامی زمینه‌های دیگر اعم از مدیریت و راهبری، طراحی فاز یک و دو و تعامل با گروه‌های دیگر مشغول به کار، مشارکت پایین‌تر از متوسط دارند. این موضوع با توجه به اختصاص پرسش به دانش‌آموختگان تمامی مقاطع تحصیلی حائز اهمیت فراوان و گویای حداقل پاسخ‌گویی آموخته‌های دانشگاهی در شرایط کنونی برای به‌کارگیری در حرفه است.

قیاس این یافته‌ها با نگاه گذرا به فرصت شغلی مشابه در کشورهای دیگر، گویای موارد شایان توجهی خواهد بود. مقایسه پنج فعالیت اول در دو مورد در جدول ۳ آمده و نشان‌دهنده فقدان کامل مشارکت دانش‌آموختگان ما در سه زمینه نسبت به این کشورها است. پیشبرد طرح‌های معماری و شهری تا مراحل نهایی، آماده‌سازی گزارش‌ها،



تصویر ۷- نمودار کیککی نسبت آرای ارزیابی مشارکت دانش‌آموختگان توسط حرفه‌مندان.

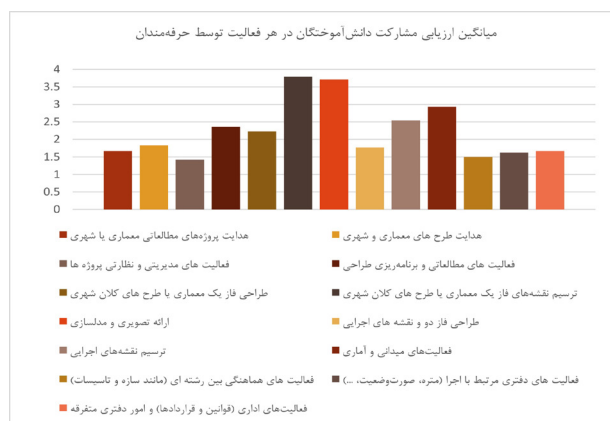
پس از جمع‌آوری اطلاعات زمینه‌ای و تشکیل ذهنیت کلی از فاصله موجود میان حرفه و دانشگاه و کلیاتی از خواسته‌های حرفه از دانش‌آموختگان، به ارزیابی دقیق این عرصه با بهره‌گیری از پرسش‌نامه می‌پردازیم. این ارزیابی شامل سه حوزه یا سه پرسش از جمله؛ مشارکت دانش‌آموختگان در فعالیتهای حرفه، توانمندی دانش‌آموختگان در زمینه‌های مختلف آموزشی و معیارهای پذیرش دانش‌آموختگان در حرفه است.

ابزار ارزیابی

پرسش‌نامه حرفه‌مندان در این طرح پژوهشی، پس از پرسش‌نامه اعضای هیأت علمی و طی مراحل؛ تنظیم توسط مجری، مشورت با مشاور طرح و مشورت با گروه پنج نفره از حرفه‌مندان و مسئولین (۵ نفر از پرسش‌شوندگان در بخش مصاحبه) تنظیم شد و در نهایت به مسئولین دفاتر ارائه شد. در این بررسی ۱۴ دفتر شامل ۸ دفتر مهندسی مشاور و ۶ دفتر طراحی در حوزه‌های معماری و شهرسازی مورد پرسش قرار گرفتند که ۴ مورد، دفاتر متعلق به طراحان نسل جوان و ۵ مورد مهندسی مشاور بزرگ با پرسنل بیش از ۱۰۰ نفر و ۵ مورد نیز دارای سابقه فعالیت بیش از ۲۵ سال هستند. پرسش‌نامه‌ها، در اکثر مواقع به صورت مصاحبه تکمیل شده‌اند. در پرسش مشترک حرفه با دانشگاهیان، ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه‌ها محاسبه و آزمون معناداری پاسخ‌ها (تی تست) انجام شده است.

نتایج و تحلیل ارزیابی مشارکت (پرسش اول)

پرسش اول عبارت است از ارزیابی میزان مشارکت دانش‌آموختگان تازه استخدام‌شده در مهندسی مشاور و دفاتر طراحی. زمینه‌های



تصویر ۶- نمودار ارزیابی مشارکت دانش‌آموختگان در فعالیتهای دفاتر حرفه‌ای.

جدول ۳- قیاس مشارکت دانش‌آموختگان در فعالیتهای حرفه‌ای دفاتر ایران و فرصت‌های شغلی کشورهای دیگر.

ترتیب	فعالیتهای ارزیابی شده با بالاترین میزان مشارکت در دفاتر ایران	زمینه‌های انتظار مشارکت در فرصت‌های شغلی کشورهای دیگر
۱	ارائه تصویری و مدل‌سازی	آماده‌سازی مدارک و ترسیمات دو و سه بعدی طرح‌ها
۲	ترسیم نقشه‌های فاز یک معماری یا طرح‌های کلان شهری	پرداخت و پیشبرد طرح‌های اولیه (کانسپت) تا مرحله طراحی نهایی
۳	فعالیت‌های میدانی و آماری	کار مفید با نرم‌افزارهای ترسیم و ارائه طرح‌ها
۴	ترسیم نقشه‌های اجرایی	آماده‌سازی و تنظیم گزارشات، محاسبات، تحلیل اطلاعات و غیره
۵	طراحی فاز یک معماری یا طرح‌های کلان شهری	آماده‌سازی پیشنهاد‌های طراحی و مطالعه

جدول ۴- مقادیر آلفای کرونباخ سه پرسش نامه و ضرایب در صورت حذف هر زمینه برای ارزیابی توانمندی دانش‌آموختگان نزد دانشجویان، استادان و حرفه‌مندان به تفکیک زمینه‌های مورد ارزیابی.

پرسش نامه / ضریب	ضریب آلفای کرونباخ	مهارت های ترسیمی و دستی	مهارت های کاربردی (کامپیوتر)	مهارت های کاربردی طراحی	مهارت های پژوهشی	دانش علمی و حقوقی	دانش فنی و اجرایی	دانش روزآمد و تکنولوژیک	بینش نظری، هنری و فلسفی
پرسش نامه حرفه‌مندان	۰.۸۰۷	۰.۷۷۴	۰.۸۰۸	۰.۷۸۹	۰.۸۰۳	۰.۷۹۵	۰.۷۵۲	۰.۷۵۷	۰.۷۹۷
پرسش نامه اعضای هیات علمی	۰.۸	۰.۷۹۶	۰.۷۹۴	۰.۷۸۵	۰.۷۷۴	۰.۷۵۸	۰.۷۷۳	۰.۷۸۱	۰.۷۶۶
پرسش نامه دانشجویان	۰.۸۳	۰.۸۲۴	۰.۸۲۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۷۹۰	۰.۷۹۹	۰.۷۸۸	۰.۸۲۰

عالی ≥ 0.9 ، خوب $0.8 \leq$ قابل قبول 0.7 ، محل پرسش $0.6 \leq$ ضعیف $0.5 \leq$ ، فیر قابل قبول $0.4 \geq$

در نتایج این پرسش که در تصویر ۸ آمده است، میانگین کلی ۲/۴۱ نسبت به میانه مفروض ۳، نشان‌دهنده ارزیابی کلی بسیار پایین توانمندی‌های دانش‌آموختگان از نظر حرفه‌مندان است. زمینه‌ای که بالاترین ارزیابی و تنها ارزیابی بالای میانه مفروض را در این نمودار کسب کرده است، زمینه مهارت‌های نرم‌افزاری است. پر واضح است که مهارت دانش‌آموختگان در این زمینه کاملاً خارج از محدوده آموزش دانشگاهی است. سه زمینه دیگری که ارزیابی نسبتاً خوبی دریافت کرده‌اند (بالای ۲/۵) عبارتند از؛ مهارت‌های ترسیمی و دستی، مهارت‌های پژوهشی و بینش نظری، هنری و فلسفی. به نظر می‌رسد وضعیت دانش‌آموختگان در این زمینه‌ها از نظر حرفه‌مندان دارای وضعیت بهتری است و یا با توجه به سطح مورد نیاز در فعالیت‌های دفاتر، این وضعیت را دارا است. پایین‌ترین ارزیابی، در زمینه‌های دانش علمی و حقوقی، دانش فنی و اجرایی و دانش روزآمد و تکنولوژیک انجام شده است، که به نحوی می‌توان گفت مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت حرفه‌ای هستند. قیاس نتایج به دست آمده از پرسش دوم با آنچه که در پرسش دانشگاه حاصل شد، نشان می‌دهد که ارزیابی حرفه در اکثر زمینه‌ها بسیار پایین‌تر است. علاوه بر این، نتایجی که در تصویر ۹ قابل مشاهده هستند بیانگر اختلافی قابل توجه در ارزیابی اکثر گزینه‌ها است. در این زمینه می‌توان به مهارت‌های کاربرد تکنولوژی، که تنها زمینه دارای ارزیابی بالاتر نزد حرفه‌مندان نسبت به دانشگاه است، دانش علمی و حقوقی، که علی‌رغم داشتن پایین‌ترین ارزیابی نزد استادان فاصله قابل توجهی با ارزیابی حرفه‌مندان دارد، دانش فنی و اجرایی، دانش روزآمد و تکنولوژیک و حتی مهارت‌های کاربردی طراحی که بالاترین ارزیابی را از طرف استادان دانشگاه‌های سراسر کشور دریافت کرده است،

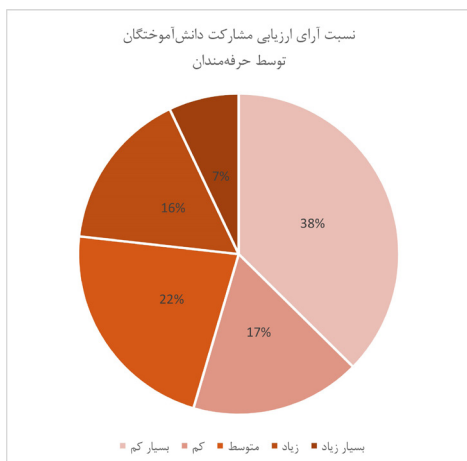
تحلیل‌ها و دیگر محصولات مطالعاتی و همچنین آماده‌سازی و ارائه پیشنهادها و اولیه طرح‌ها. به نظر می‌رسد محدود شدن فعالیت‌های دانش‌آموختگان معماری و شهرسازی در سال‌های اول ورود به حرفه به فعالیت‌های اپراتوری، آسیبی جدی است که به موازات یا در امتداد تبدیل مقطع کارشناسی ارشد پیوسته به دو مقطع کوتاه‌تر رخ می‌دهد. بدین ترتیب دانشگاه نه تنها مسیر کلی حرفه را ترسیم و تصحیح نمی‌کند، بلکه نقش اصلی آموزش را نیز عملاً به حرفه واگذار می‌کند.

نتایج و تحلیل ارزیابی توانمندی (پرسش دوم)

پرسش دوم به منظور تأمین امکان قیاس، به دنبال ارزیابی توان دانش‌آموختگان در همان هشت زمینه آموزشی پرسش نامه اعضای هیات علمی از دیدگاه حرفه است. به منظور افزودن برخوانایی پرسش نامه، زمینه‌های هشت‌گانه در پرسش نامه حرفه‌مندان با ادبیات مناسب بازنویسی شده است. در این پرسش، فقط یک گزینه از طرف حرفه‌مندان پیشنهاد شده است که زیر مجموعه زمینه مهارت‌های کاربردی طراحی قرار می‌گیرد. به منظور تحکیم نتایج این پرسش، ضریب آلفای کرونباخ، در گروه‌هایی که نمونه‌گیری آنها صورت غیراحتمالی بوده، محاسبه شده و در جدول ۴ قابل مشاهده است. نتایج در تمام زمینه‌ها و در میانگین کلی، از نوع قابل قبول و خوب به دست آمده است. همچنین آزمون تی مستقل با ضریب اطمینان ۹۵٪ (آلفای ۰/۰۵) برای اطمینان از معناداری تفاوت آرای دانشگاه و حرفه، انجام شده است. نتایج این آزمون، نشان می‌دهد که این تفاوت تصادفی نبوده و کاملاً قابل اعتماد است. نتایج دو گروه دانشکده‌های سراسر کشور و حرفه‌مندان در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵- جدول آزمون تی مستقل برای قیاس نتایج ارزیابی نزد استادان و حرفه‌مندان و نتایج ارزیابی نزد دانشجویان و حرفه‌مندان.

شاخص های آزمون معناداری (آزمون تی)	توان ترسیم و راه دستی	توان کاربرد نرم افزارها	توان برنامه ریزی و طراحی	مهارت‌های مطالعاتی	شناخت مسائل حقوقی و قانونی	شناخت مسائل فنی و اجرایی	شناخت روش ها و تکنولوژی های جدید	دانش درک فلسفی و دیدگاه نظری	پرسش نامه استادان با حرفه‌مندان	
									درجه آزادی	تی تجربی experimental
آماره تی critical	۱۹	۲۰	۲۲	۲۶	۳۸	۲۰	۲۰	۱۸	۰.۴۴	-۱.۶۹
درجه آزادی	۱۵	۱۵	۱۶	۱۶	۲۰	۱۵	۱۵	۱۴	۰.۸۹	-۰.۴۳
تی تجربی experimental	-۰.۴۳	۱.۸۹	-۱.۷۶	-۱.۷۵	-۸.۱۰	-۳۴۱.۰۰	-۱.۴۵	-۰.۹۲	۲.۱۳	۲.۱۳
آماره تی critical	۲.۱۳	۲.۱۳	۲.۱۲	۲.۱۲	۲.۰۸	۲.۱۳	۲.۱۳	۲.۱۴	۲.۱۳	۲.۱۳

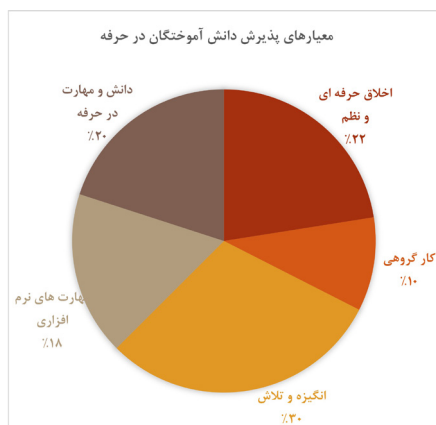


تصویر ۹- نتایج قیاسی ارزیابی توانمندی دانش‌آموختگان نزد دانشگاه‌های سراسر کشور، حرفه و دانشگاه هنر.

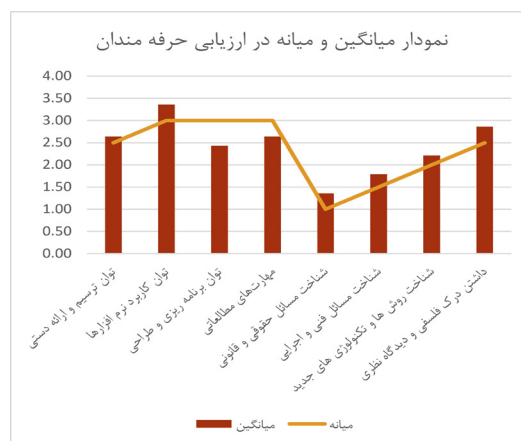
ارائه دستی) فضای عرضه به وجود آورد. در وضع موجود این فضای باز می‌تواند با همکاری دانشگاه و حرفه، به طور مثال در آموزش‌های آزاد دانشگاهی یا دیگر فعالیت‌های اشتراکی مدیریت شود.

نتایج و تحلیل ارزیابی معیارها (پرسش سوم)

پرسش سوم، پرسشی کاملاً باز و به دنبال شناخت معیارهای دفاتر در پذیرش دانش‌آموختگان است. نتایج این پرسش به صورت تحلیل محتوا جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و نمودار کیکی تصویر ۱۰ بیانگر میزان اهمیت هر زمینه بر مبنای دفعات تکرار است. اگر این نتایج را به ترتیب اولویت قرار دهیم، می‌توانیم با معیارها یا خواسته‌های فرصت‌های شغلی بررسی‌شده در کشورهای دیگر نیز مقایسه کنیم. نتایج این قیاس در جدول ۶ نمایش داده شده و بیانگر تفاوت‌های مهمی است. مسائلی مانند داشتن انگیزه و خلاقیت و مسائل مرتبط با انضباط و اخلاق در دفاتر حرفه‌ای ایران از جمله معیارهای مهم پذیرش هستند. این مسأله تواتر نشان‌دهنده اهمیت کم‌تر اندوخته علمی، به صورت اولویت یافتن معیارهای دیگر، و توجه به توان ذهنی و مهارتی دانشجویان در موضوعاتی مانند اخلاق و انگیزه است، که در حال حاضر خارج از توجه آموزش‌های رسمی و مدون دانشگاهی است. دیگر موضوع قابل توجه در این قیاس، اهمیت دانش علمی و حقوقی و مهارت‌های فنی و اجرایی



تصویر ۱۰- نمودار سهم زمینه‌های اصلی نامبرده به عنوان معیار انتخاب متقاضیان شغل در دفاتر حرفه‌ای.



تصویر ۸- نمودار شاخص‌های آماری در ارزیابی توانمندی دانش‌آموختگان توسط حرفه‌مندان.

اشاره کرد. زمینه‌هایی که با داشتن ارزیابی نسبی بالاتر مورد اتفاق نظر گروه‌ها هستند عبارتند از توان ترسیمی و دستی، مهارت‌های پژوهشی و بینش نظری، هنری و فلسفی. طبق این تصویر توان نرم‌افزاری از نظر دانشگاه (به غیر از گروه استادان سراسر کشور) پایین و از نظر حرفه بالا است. پر واضح است این مهارت در میان راه دانشگاه و حرفه و در حوزه سومی تأمین می‌شود. ارزیابی نسبتاً بالای دانشجویان از زمینه دانش علمی و حقوقی در تضاد با استادان و حرفه‌مندان می‌تواند بیانگر عدم احساس نیاز و درک اهمیت این زمینه از طرف گروه دانشجویان باشد.

اگر فرض کنیم که حرفه محل مناسبی برای قضاوت در مورد توان پژوهشی و نظری دانش‌آموختگان نیست، که خود گسست حرفه از عرصه پژوهش و نظر، موضوع بحثی قابل تأمل و توجه است اما فرصتی دیگر می‌طلبد، باید اذعان کنیم که تلاش مستمر دانشگاه در تجهیز دانشجویان به توان ارائه و ترسیم دستی (که ارزیابی دانشجویان در این زمینه از استادان پایین‌تر یا انتظار آنها بیشتر است) نیز حوزه‌ای خارج از نیاز واقعی حرفه است و به احتمال قوی در خدمت همان آزمون ورود به مقطع بالاتر یا تقویت فضای حاشیه‌ای آموزش قرار می‌گیرد. چنانچه این توان در خدمت آزمون مقاطع تحصیلات تکمیلی قرار دارد، باید توجه داشت که الزام دانشگاه برای پاسخگویی به این نیاز بسیار بحث‌برانگیز بوده و طبق محتوای مصاحبه‌های انجام شده، ایرادهای بنیادی به چارچوب این آزمون‌ها وارد شده است، که موضوع بحث وسیع و مهم دیگری است. در مجموع به نظر می‌رسد ارزش‌گذاری این عرصه یا نحوه نگاه به آن در شرایط روز، باید مورد بررسی علمی دقیق و تجدید نظر بنیادی قرار گیرد.

نتیجه این پرسش، بیانگر تفاوت قابل توجهی در ارزیابی دقیق وضعیت از طرف دو حوزه اصلی دانشگاه و حرفه، علی‌رغم اتفاق نظر کلی در باره وجود فاصله میان آن دو است. این فاصله و رویکردهای متفاوت، به وجود آورنده فضایی خالی است. فضایی که توسط محافل شبه‌آموزشی و شبه‌حرفه‌ای مدیریت می‌شود. این فضای خالی می‌تواند در نتیجه نیازهای حرفه (مانند مهارت‌های نرم‌افزاری) که توسط دانشگاه پاسخ داده نمی‌شود، ایجاد تقاضا کند و یا در نتیجه ایجاد توانمندی‌های مازاد نیاز حرفه در دانش‌آموختگان (مانند حوزه

چشمگیر در کارآمدی دانش‌آموختگان ایجاد کند. زمینه‌های دیگری که توجه به آنها در پاسخ به این پرسش، همانند فرم‌های استخدام دفاتر قابل مشاهده است، عبارتند از تجربه کار حرفه‌ای و مهارت‌های نرم‌افزاری، مقوله‌هایی که باز هم نشان‌دهنده اولویت معیارهای خارج از آموزش دانشگاهی در استخدام متقاضیان است.

برای دفاتر در کشورهای دیگر است، که در نمونه‌های داخلی از آنجا که جزء انتظارات این دفاتر از دانش‌آموختگان نیستند، مطرح نشده‌اند. چنان‌که دیده می‌شود این دو زمینه، دقیقاً با زمینه‌های کم‌ترین مشارکت دانش‌آموختگان انطباق دارند. به نظر می‌رسد تغییر رویکرد، هم در دانشگاه و هم در حرفه، به کسب مهارت و میزان مشارکت دانش‌آموختگان در این دو عرصه می‌تواند تغییری

جدول ۶- مقایسه معیارهای پذیرش دانش‌آموختگان در فرصت‌های شغلی ایران و کشورهای دیگر به ترتیب اولویت.

مهارت‌های ذکر شده در فرصت‌های شغلی کشورهای دیگر	معیارهای اعلام شده در دفاتر حرفه‌ای ایران	ترتیب
توان استفاده از نرم افزارهای مربوطه	انگیزه و خلاقیت	۱
مهارت‌های بیانی کتبی و شفاهی	اخلاق حرفه‌ای و نظم	۲
مهارت‌های کار گروهی و توانایی کار مستقل	دانش و مهارت در حرفه	۳
آشنایی به روز با قوانین مقررات و سیاست‌های بالادستی کشور	مهارت‌های نرم افزاری	۴
شناخت و مهارت کافی معطوف به جزئیات و مسائل اجرایی	کار گروهی	۵

نتیجه

پرسش اول دانشگاه، می‌تواند بیانگر نوعی تضاد یا عدم وضوح در ارزیابی وضع موجود نزد دانشگاهیان باشد. رویکرد سختگیرانه گروه استادان دانشگاه هنر، که پایین‌ترین ارزیابی را در تمام زمینه‌ها، به غیر از مهارت‌های ترسیمی و دستی و مهارت‌های کاربردی طراحی، نسبت به تمام گروه‌های دانشگاهی دیگر داشته و به این ترتیب نزدیک‌ترین ارزیابی را با گروه حرفه‌مندان (به غیر از زمینه بحث انیگر مهارت‌های کاربرد تکنولوژی) دارا است، می‌تواند نشان‌دهند شناخت واقع‌بینانه و تمایل به تغییر باشد. در هر صورت، علی‌رغم اتفاق نظر کلی میان دو حوزه، تفاوت چشمگیری در ارزیابی دقیق وضعیت، مشهود است، تا جایی که نتایج بیانگر تصاویر معکوسی از ارزیابی وضعیت دانش‌آموختگان در این دو فضا است. زمینه مهارت‌های نرم‌افزاری که ارزیابی نسبتاً پایینی از اکثر گروه‌های دانشگاهی دریافت کرده‌است، به تنها نقطه قوت دانش‌آموختگان در حرفه تبدیل می‌شود. زمینه دانش علمی و حقوقی از نظر استادان پایین‌ترین ارزیابی را دریافت کرده است، اما ارزیابی حرفه از آن هم پایین‌تر بوده و زمینه‌های دانش فنی و اجرایی و دانش روزآمد و تکنولوژیک را نیز در پایین‌ترین موقعیت نشان می‌دهد. ضمناً ارزیابی خوش‌بینانه دانشجویان از وضعیت در این زمینه نسبت به گروه‌های دیگر، نشان‌دهنده شناخت ضعیف این گروه است. بیشترین اتفاق نظر نسبتاً مثبت دو حوزه در مورد عرصه‌های توان مهارت‌های ترسیمی و دستی، مهارت‌های پژوهشی و بینش نظری، هنری و فلسفی است. اما داوری نهایی در مورد توان‌مندی لازم و کافی دانش‌آموختگان در این حوزه‌ها نیازمند نگاهی جامع‌تر است. به نظر می‌رسد که عدم توانمندی دانشجویان در زمینه خواسته‌های حرفه، از یک طرف، و تولید توانمندی‌های مازاد نیاز در دانشگاه، از طرف دیگر، فضایی سوم و حاشیه‌ای از عرضه و تقاضا را ایجاد می‌کند، که عمدتاً توسط طرف سومی، با انگیزه کسب درآمد، مدیریت می‌شود. مهارت‌های نرم‌افزاری و مهارت‌های ارائه دستی به ترتیب نمونه این دو وضعیت است. قیاس این فضا با کشورهای دیگر جهان نشان می‌دهد که این فاصله توسط دانشگاه و با همکاری متقابل با حرفه مدیریت

از مطالعات انجام‌شده و پرسش از رابطه حرفه و دانشگاه در هر دو حوزه، نتیجه‌گیری می‌شود که فاصله چشم‌گیری از نظر جمیع گروه‌های مخاطب میان این دو حوزه وجود دارد. با در نظر گرفتن رابطه ذاتی دانشگاه و صنعت در هر رشته‌ای و همچنین بررسی اهداف برنامه‌های آموزشی مصوب، مشخص می‌گردد که اگرچه برخی دلایل ایجاد این شکاف بیرونی بوده و به سیاست‌های کلی تأثیرگذار بر فضای حرفه‌ای و آموزشی این رشته‌ها مبتنی است، توجه به این فاصله و تلاش برای کاهش آن، برای سلامت هر دو فضا و کارآمدی بیشتر الزامی است، در حالی که رویکردهای بسیار با فاصله‌ای، هم در حرفه و هم دانشگاه، به این موضوع وجود دارد. از بررسی ارزیابی مشارکت (پرسش اول) دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف معماری و شهرسازی در فعالیت‌های حرفه‌ای، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که دانش‌آموختگان برای ورود به اکثر فعالیت‌های حرفه‌ای کارآمدی لازم را ندارند و عمدتاً در فعالیت‌های محدود به تهیه ترسیمات و مدارک طرح‌ها مشغول هستند یا نقشی محدود به اپراتور دارند. این دانش‌آموختگان، صرفاً پس از کسب تجربه کافی در فضای حرفه‌ای وارد سطوح بالاتری از فعالیت‌ها می‌شوند. به این ترتیب به نظر می‌رسد دانشگاه نه تنها رسالت ترسیم یا اصلاح مسیر حرفه را به انجام نمی‌رساند، بلکه رسالت آموزش را نیز به حرفه واگذار می‌کند. نگاهی به تجربه دانشگاه‌های برتر جهان، نشان می‌دهد که رابطه مثبت و متقابلی در این زمینه وجود دارد و فضاهای علمی و حرفه‌ای در هم‌سویی کامل و با به رسمیت شناختن خواسته‌ها و اعتبار یکدیگر در حال مدیریت فعالیت‌های این حوزه در کشور خود هستند.

از نتایج ارزیابی توانمندی (پرسش دوم) دانش‌آموختگان در زمینه‌های مختلف آموزشی از نظر حرفه و قیاس آن با ارزیابی دانشگاه، مشخص می‌شود که ارزیابی عمومی حرفه بسیار پایین‌تر از دانشگاه است. اعلام ناکارآمدی آموزش در راستای دستیابی به اهداف آن (در پرسش دوم دانشگاه)، از طرف اکثر گروه‌های پاسخ‌دهنده و ارزیابی متوسط یا نزدیک به متوسط زمینه‌های همین آموزش (در

سطح بالاتری از انتظارات تخصصی نسبت به ایران است. به طور کلی رابطه میان دانشگاه و حرفه در ایران، نیازمند توجه جدی و دقیق و پژوهش‌ها و عملیات گسترده و زمانبر است و مشارکت و فعالیت طرفین این رابطه برای درمان هر چه سریع‌تر آسیب‌ها و افزودن بر کارآمدی هر دو فضا حیاتی است.

می‌شود. از بررسی معیارهای (پرسش سوم) حرفه برای پذیرش دانش‌آموختگان، علاوه بر تأیید یافته‌های پیشین، مسأله‌ی دیگری جلب توجه می‌کند. این مسأله اهمیت موضوعات مرتبط با انگیزه، نظم، اخلاق و روحیه کاری دانش‌آموختگان است. حوزه‌هایی که در حال حاضر خارج از توجه رسمی محافل دانشگاهی قرار دارند. قیاس این معیارها با کشورهای دیگر نشان‌دهنده تمرکز بر مباحث علمی و

پی‌نوشت‌ها

لیتکوهی، ساناز، لیتکوهی، ساچلی و قربانی، علی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان معماری، نقش آموزش‌های آکادمیک در آماده‌سازی حرفه‌ای دانشجویان، سومین همایش آموزش معماری، دانشکده معماری دانشگاه تهران، تهران.

مستغنی، علیرضا و بی‌تی حامد (۱۳۹۳). بررسی محتوای درس مصالح ساختمانی در حوزه دروس فنی در برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری با تأکید بر تربیت فارغ‌التحصیلان معماری با توانایی مشارکت در پروژه‌های اجرایی، پنجمین همایش آموزش معماری، دانشکده معماری دانشگاه تهران، تهران.

مفیدی، محمدرضا (۱۳۹۶). روش تحقیق در معماری، فرآیند تدوین پروپوزال، پایان‌نامه، مقاله، انتشارات سیمای دانش، تهران.

ناری قمی، مسعود (۱۳۹۰). دیدگاه‌های هنرجویان رشته نقشه‌کشی معماری در مورد معماری و جایگاه آن: نمونه موردی شهر قم، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۶، صص ۶۳-۷۴.

ناری قمی، مسعود و بحرینی، حجت‌الله (۱۳۹۷). جایگاه میانی در نظام حرفه‌ای معماری و ساختمان (مطالعه موردی: دفاتر نظام مهندسی شهر قم)، ماهنامه باغ نظر، شماره ۱۵ (۶۶)، صص ۱۵-۲۸.

برنامه‌های درسی مصوب وزارت علوم، برگرفته در تاریخ بهمن ۱۳۹۷ از نشانی اینترنتی:

<https://prog.msrt.ir/fa/grid-113/کامل-رشته-ها>

برنامه درسی کارشناسی شهرسازی مصوب ۹۱/۸/۷، برنامه درسی کارشناسی مهندسی معماری مصوب ۹۲/۱۲/۱۸ دانشگاه تهران، برنامه درسی کارشناسی ارشد معماری مصوب ۹۲/۱۲/۱۸ دانشگاه تهران، برنامه درسی کارشناسی ارشد معماری و انرژی مصوب ۹۱/۹/۱۲، برنامه درسی کارشناسی ارشد معماری داخلی مصوب ۹۲/۴-۲۳، برنامه درسی کارشناسی معماری داخلی ۹۲/۶/۳۱، برنامه درسی کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و ساخت مصوب ۹۲/۴/۱۶، برنامه درسی کارشناسی ارشد طراحی شهری مصوب ۹۲/۴/۲۳، برنامه درسی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری مصوب ۹۲/۴/۲۳، برنامه درسی دکتری شهرسازی مصوب ۹۲/۴/۲۳، برنامه درسی دکتری معماری مصوب ۹۲/۱۲/۸

اطلاعه‌های فرصت‌های شغلی، برگرفته در تاریخ اردیبهشت ۱۳۹۸ از نشانی‌های اینترنتی:

www.indeed.com, www.ribaappointments.com, www.recruitbamboo.com

اطلاعات رده‌بندی دانشکده‌ها و دانشگاه‌های معماری و شهرسازی برگرفته در تاریخ خرداد ۱۳۹۸ از نشانی اینترنتی

<https://www.topuniversities.com/university-rankings/university-subject-rankings/2019/architecture>

اطلاعات آموزش‌های تکمیلی دانشگاه‌های پیشرو در دنیا برگرفته در تاریخ خرداد ۱۳۹۸ از نشانی‌های اینترنتی:

www.ocw.mit.edu, www.ucl.ac.uk/short-courses, www.online-learning.tudelft.nl, www.ethz.ch/en/studies/non-degree-courses, www.berkeley.edu, www.execed.gsd.harvard.edu, www.msa.ac.uk/study

۱. انتشار پرسش‌نامه مجازی به روش‌های شخصی (انتقال فرد به فرد و دیگر روش‌های انتشار شخصی اطلاعات در فضای مجازی) و غیرشخصی از جمله پست الکترونیکی دانشگاهی مدرسان رشته‌های معماری و شهرسازی و چند وبسایت، گروه یا کانال از جمله انجمن‌های علمی دانشگاه‌ها، انجمن شهرسازی ایران، کانال تخصصی مجموعه مدیریت شهری، جامعه مجازی شهرسازان ایران، کانال طراحان شهری ایران و مسیرهای دیگر، صورت گرفته‌است.

۲. برنامه‌های درسی مصوب وزارت علوم، برگرفته در تاریخ بهمن ۱۳۹۷ از نشانی اینترنتی:

لیست-کامل-رشته-ها/113-grid/https://prog.msrt.ir/fa/

۳. اطلاعات رده‌بندی دانشکده‌ها و دانشگاه‌های معماری و شهرسازی برگرفته در تاریخ خرداد ۱۳۹۸ از نشانی اینترنتی:

<https://www.topuniversities.com/university-rankings/university-subject-rankings/2019/architecture>

۴. اطلاعاتی‌های فرصت‌های شغلی، برگرفته در تاریخ اردیبهشت ۱۳۹۸ از نشانی‌های اینترنتی:

ایالات متحده آمریکا، www.indeed.com

کشورهای آسیایی و www.recruitbamboo.com

کشورهای اروپایی. www.ribaappointments.com

فهرست منابع

اسلامی، غلامرضا (۱۳۹۲). درس گفتار مبانی نظری معماری، عینکمان را خودمان بسازیم، نشر علم معماری، تهران.

حجت، عیسی (۱۳۹۱). مشق معماری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران. رستمی نجف‌آبادی، مصطفی و جهانبخش، عباس (۱۳۹۲). راهکارهای ارتقای نقش دروس فنی در توان حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان کارشناسی معماری، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۳، شماره ۶، صص ۹۹-۱۱۱.

سرمد، زهره، بازرگان، عباس و الهه حجازی (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه، تهران.

شریعت راد، فرهاد و مهدوی چور، حسین (۱۳۸۷). ارزیابی نقش درس طرح معماری ۴ در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۶، صص ۴۹-۵۷.

فرضیان، محمد و کرباسی، عاطفه (۱۳۹۳). تجربه‌ای در افزایش کیفیت آموزش معماری، کسب مهارت در آشنایی با مراتب اجرایی ساختمان، پنجمین همایش آموزش معماری، دانشکده معماری دانشگاه تهران، تهران. کاملی، محسن، عظمتی، حمیدرضا و رمضی فرزانه (۱۳۹۵). نقش دانش طراحی معماری در توانبخشی حرفه‌ای مهندسان معماری، نشریه فناوری آموزش، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۷۱-۸۰.

گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در معماری، مترجم علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

لنگ، جان (۱۳۹۰). آفرینش نظریه‌های معماری، مترجم علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Evaluating the Relationship Between Education and Professional Activity in Architecture and Urban Planning, Detailed study: School of Architecture and Urban Planning, University of Art*

*Punik Simoni^{1**}, Maryam Abbasi²*

¹Assistant Professor, Department of Architecture, School of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran.

²Ph.D Student, Faculty of Spatial Planning, Technical University of Dortmund, Dortmund, Germany.

(Received 30 Oct 2019, Accepted 2 Apr 2020)

The gap between education and the profession is one of the serious obstacles in architecture and urban planning in Iran. This study investigates this gap, by using the interview and questionnaire techniques, asking faculty members, students, professionals, and head members of related organizations. The research first studied the School of Architecture and Urban Planning in the University of Art. The research area was expanded after that including the most universities of Iran. The studies of the relationship between the profession and university in architecture and urbanism indicate, there is a significant gap based on the interview and questionnaire results of both communities. To reduce this gap, both sides must strive, while the professionals and faculty members look at the issue from different perspectives.

The evaluation of graduates' collaboration in professional activities, indicates that graduates do not have the necessary efficiency in entering most professional activities and are mainly engaged in drawing and documentation. Studies show that the universities not only do not fulfill the mission of determination the professional path but also concede education to the profession. The experience of the world's top universities shows that they positively manage their reciprocal relationship with professional organizations in this field by accepting each other's demands credibility.

This study illustrates that the professionals evaluate graduates' ability, in different fields of education, clearly much lower than the university members. Both parties agree on a general issue but there is a significant difference in an accurate assessment of the situation. "Software skills" training, which has received relatively low points from students, is known as the only strength of graduates in the profession. The faculty members gave the lowest mark to the fields of "Scientific and Legal Knowledge", but the professionals

evaluated it even lower as well as the field of "Technical and Executive Knowledge" and "Up-to-Date and Technological Knowledge". The most consensus of the two sides is in the approximately positive evaluation of the fields of the "Drawing and Hand Sketch Skills", "Research Skills" and "Theoretical, Artistic and Philosophical Insights". The final judgment about the importance and efficiency of education in these areas needs wider perspective and cannot be discussed fully in this study. It seems that the lack of empowerment of students based on professional demands and making excess capabilities in the university led to a supply and demand system, which is mainly managed by a third party, motivated by income. In a similar situation, in other countries, the university in cooperation with the profession manages this gap.

Furthermore, the importance of factors related to motivation, discipline, and ethics is clear in evaluating the profession's criteria for the recruitment of the graduates. These areas are currently outside of the official focus of universities. In comparison, other countries in these criteria focus on scientific issues and a higher level of professional expectations. In general, the relationship between university and profession in Iran requires serious and careful attention and extensive research and operations; It demands action by both parties to reduce the gap and increase efficiency.

Keywords

Architecture, Urban Planning, University, Profession, Educational Evaluation.

*This article is extracted from a research project, entitled: "Determination of open classes content based on the needs and programs, School of Architecture and Urban Planning, University of Art" which is the first author as executor and the second author as colleague in research project.

**Corresponding Author: Tel/ Fax: (+98-21) 66733410, E-mail: p.simoni@art.ac.ir